

مر تفضی مطهری

# الغدیر

و

# وحدت اسلامی

کتاب شریف «الغدیر» ، موجی عظیم در جهان اسلام پدید آورده است . اندیشمندان اسلامی ، از زوایا و جوانب مختلف : ادبی ، تاریخی ، کلامی ، حدیثی ، تفسیری ، اجتماعی بدان نظر افکنده اند . آنچه از زاویه اجتماعی می توان بدان نظر افکند ، « وحدت اسلامی » است .

مصلحان و دانشمندان روشنفکر اسلامی عصر ما ، اتحاد و همبستگی ملل و فرق اسلامی را ، خصوصا در اوضاع و احوال کنونی که دشمن از همه جوانب بدانها هجوم آورده و پیوسته با وسایل مختلف در پی توسعه خلافت کهن و اختراع خلافت نوین است ، از ضروریترین نیازهای اسلامی می دانند . اساسا چنانکه می دانیم وحدت اسلامی و اخوت اسلامی ، سخت مورد عنایت و اهتمام شارع مقدس اسلام بوده و از اهم مقاصد اسلام است . قرآن و سنت و تاریخ اسلام گواه آن می باشد .

از این رو ، برای برخی این پرسش آمده که آیا تالیف و نشر کتابی مانند «الغدیر» - که به هر حال موضوع بحث آن ، کهنترین مسئله خلافتی مسلمین است - مانعی در راه هدف مقدس و ایده آل عالی « وحدت اسلامی » ایجاد نمی کند ؟ ما لازم می دانیم مقدما اصل مطلب را - یعنی مفهوم و حدود وحدت اسلامی - را روشن کنیم ،

سپس نقش کتاب شریف «الغدیر» و مولف جلیل القدرش ، علامه امینی « رضوان الله علیه » را توضیح دهیم .

## وحدت اسلامی

مقصود از وحدت اسلامی چیست ؟ آیا مقصود این است که از میان مذاهب اسلامی یکی انتخاب شود ، و سایر مذاهب کنار گذاشته شود ، یا مقصود این است که مشترکات همه مذاهب گرفته شود ، و مفرقات همه آنها کنار گذاشته شود ، و مذهب جدیدی بدین نحو اختراع شود که هیچ یک از مذاهب موجود نباشد ؟ یا اینکه

وحدت اسلامی ، به هیچ وجه ربطی به وحدت مذاهب ندارد ، و مقصود از اتحاد مسلمین ، اتحاد پیروان مذاهب مختلف ، در عین اختلافات مذهبی در برابر بیگانگان است ؟

مخالفین اتحاد مسلمین ، برای اینکه از وحدت اسلامی ، مفهومی غیر منطقی و غیر عملی بسازند ، آن را به نام وحدت مذهبی توجیه می کنند تا در قدم اول ، باشکست مواجه گردد . بدیهی است که منظور علمای روشنفکر اسلامی از وحدت اسلامی ، حصر مذاهب بیک مذهب ، و یا اخذ مشترکات مذاهب و طرد مفرقات آنها که نه معقول و منطقی است و نه مطنوب و عملی ، نیست . منظور این دانشمندان ، متشکل شدن مسلمین

است در یک صف در برابر دشمنان مشترکشان .

این دانشمندان می گویند مسلمین مایه وفاقهای بسیاری دارند که می تواند مبنای یک اتحاد محکم گردد ، مسلمین همه خدای یگانه را می پرستند و همه به نبوت رسول اکرم اعلان و اذعان دارند ، کتاب همه قرآن و قوله همه کعبه است ، با هم و مانند هم حج می کنند و مانند هم نماز می خوانند هم روزه می گیرند و مانند هم تشکیل خانواده می دهند و داد و ستد می نمایند و کودکان خود را تربیت می کنند و اموات خود را دفن می نمایند . و جز در اموری جزئی ،

در این کارها باهم تفاوتی ندارند . مسلمین همه از یک نوع جهان بینی برخوردارند و یک فرهنگ مشترك دارند و در یک تمدن عظیم و باشکوه سابقه دار شرکت دارند . وحدت در جهانیابی ، در فرهنگ ، در سابقه تمدن ، در پیش و منش ، در معتقدات مذهبی ، در پرستشها و نیایشها ، در آداب و سنن اجتماعی خوب می تواند از آنها ملت واحد بسازد و قدرتی عظیم و هایل به وجود آورد که قدرتهای عظیم جهان ناچار در برابر آنها خضوع نمایند ، خصوصا اینکه در متن اسلام بر این اصل تاکید شده است مسلمانان به نص صریح قرآن برادر یکدیگرند و حقوق و تکالیف خاصی آنها را به یکدیگر مربوط می کند . با این

وضع چرا مسلمین از این همه امکانات وسیع که از برکت اسلام نصیبشان گشته استفاده نکنند ؟

از نظر این گروه از علمای اسلامی ، هیچ ضرورتی ایجاب نمی کند که مسلمین به خاطر اتحاد اسلامی ، صلح و مصالحه و گذشتی در مورد اصول یا فروع مذهبی خود بنمایند . همچنانکه ایجاب نمی کند که مسلمین درباره اصول و فروع اختلافی فیما بین ، بحث و استدلال نکنند و کتاب ننویسند . تنها چیزی که وحدت اسلامی ، از این نظر ، ایجاب می کند ، این است که مسلمین - برای اینکه احساسات کینه توزی در میانشان پیدا نشود ، یا شعله ور نگردد - منازات را حفظ کنند ، یکدیگر را سب و شتم ننمایند ، به یکدیگر تهمت نزنند و دروغ نبنند ، منطبق یکدیگر را مسخره نکنند ، و بالاخره ، عواطف یکدیگر را مجروح نازند و از حدود منطق و استدلال خارج نشوند . و در حقیقت - لاقلا - حدودی را که اسلام در دعوت غیر مسلمان به اسلام ، لازم دانسته است درباره خودشان رعایت کنند : « ادع الی سبیل ربک بالحکمه و الموعظة الحسنه و جادلهم بالتي هی احسن . » برای برخی این تصور پیش آمده که مذهبی که تنها در فروع یا یکدیگر اختلاف دارند ، مانند شافعی و حنفی ، می توانند باهم برادر باشند و با یکدیگر در یک صف قرار

گیرند، اما مذاهبی که در اصول با یکدیگر اختلاف نظر دارند به هیچ وجه نمی‌توانند با یکدیگر برادر باشند. از نظر این دسته، اصول مذهبی مجموعه‌ای به هم پیوسته است و به اصطلاح اصولیون از نوع « اقل و اکثر ارتباطی » است، آسیب دیدن یکی عین آسیب دیدن همه است. علیهذا آنجا که مثلا اصل « امامت » آسیب می‌پذیرد و قربانی می‌شود، از نظر معتقدین به این اصل، موضوع وحدت و اخوت منتفی است. و بهمین دلیل شیعه و سنی به هیچ وجه نمی‌توانند دست یکدیگر را به عنوان دو برابر مسلمان بفشارند و نزدیک جبهه قرار گیرند، دشمن هر که باشد.

گروه اول به این گروه پاسخ می‌دهند، می‌گویند: دلیلی ندارد ما اصول را در حکم یک مجموعه به هم پیوسته بشماریم، و از اصل « یا همه یا هیچ » در اینجا پیروی کنیم. اینجا جای قاعده «المیسور لا یسقط بالعمور» و « ملا یدرک که لا یرتک کنه » است. سیره و روش شخص امیرالمؤمنین علی، علیه‌السلام، برای ما بهترین و آموزنده‌ترین درسهاست. علی، علیه‌السلام، راه و روش بسیار منطقی و معقول‌گه‌شایسته بزرگواری مانند او بود اتخاذ کرد.

او برای احقاق حق خود، از هیچ کوششی خودداری نکرد، همه امکانات خود را به کار برد که اصل امامت را احیا کند. اما هرگز از شعار « یا همه یا هیچ » پیروی نکرد. بر عکس، اصل « ملا یدرک که لا یرتک کنه » را مبنای کار خویش قرار داد.

علی در برابر رباپسندگان حقش قیام نکرد و قیام‌نکردنش اضطرابی نبود، بلکه کاری حساب شده و انتخاب شده بود. او از مرگ بیم نداشت، چرا قیام نکرد، حداکثر این بود که کشته شود، کشته شدن در راه خدا منتهای آرزوی او بود، او همواره در آرزوی شهادت بود و با آن، از کودک به پستان مادر مأنوس‌تر بود. علی در حساب صحیحش بدین نکته رسیده بود که مصاحبت اسلام، در آن شرائط، ترک قیام و بلکه همگامی و همکاری است. خود کرازا به این مطلب تصریح می‌کند.

در یکی از نامه های خود به مالک اشتر ( نامه ۶۲ از نامه های « نهج البلاغه » ) می‌نویسد: « فامسکت یدی حی رأیت راجعة الناس قدر جعت عن الاسلام. یدعون الی محق دین محمد صلی‌الله علیه و آله. فخشیت ان لم انصر الاسلام و اهداه. ازی فیه تنها وهد ماتکون المصیبة به علی اعظم من قوت ولایتکم الی انما هی متاع ایام قلائل. » - من اول دست خود را پس کشیدم، تا ندیدم گروهی از مردم از اسلام بازگشتند و مردم را به نابودی دین محمد ( ص ) دعوت می‌کنند. پس ترسیدم که اگر به یاری اسلام و مسلمین بر نخیزم شکاف یا انهدامی در اسلام خواهم دید که مصیبت آن از فوت خلافت چند روزه بسی بیشتر است.

در شورای شش‌نفری پس از تعیین و انتخاب عثمان به وسیله عبدالرحمان بن عوف، علی علیه‌السلام، شکایت و هم آمادگی خود را برای همکاری اینچنین بیان کرد: « لقد علمت انی احق الناس بها من غیرى و والله لاسلمن ماسلمت لاهل الاسلام و لم یکن فیها جور الاعلی خاصة » ( نهج البلاغه، خطبه ۷۲ ) یعنی: شما خود می‌دانید من از همه برای خلافت شایسته‌ترم، و حال به خدا قسم مادامی که کار مسلمین رو بر راه باشد، و رقیبان من تنها به کمک گرفتن من قناعت کنند و تنها شخص من مورد ستم واقع شده باشد، مخالفتی نخواهم کرد و تسلیم خواهم بود. اینها می‌نویسد که علی علیه‌السلام « یا همه یا هیچ » را در این مورد محکوم می‌دانسته است. نیازی نیست درباره روش سیره علی علیه‌السلام در این موضوع بیشتر بحث شود، شواهد و دلائل تاریخی در این زمینه فراوان است.

### علامه امینی

اکنون نوبت آن است که ببینیم علامه بزرگوار آیت‌الله امینی، مؤلف جلیل‌القدر « الغدیر » از کدام دسته است و چگونه می‌اندیشیده است؟ آیا ایشان وحدت و اتحاد مسلمین را تنها در دایره تشیع قابل قبول می‌دانسته‌اند، یا دایره اخوت اسلامی را وسیعتر می‌دانسته و معتقد بوده‌اند اسلام که باقرار و اذعان به شهادتین محقق می‌شود، خواب ناخواه حقوقی را به عنوان حق

مسلمان بر مسلمان ایجاد می‌کند و صند اخوت و برادری که در قرآن به آن تصریح شده میان همه مسلمین محفوظ است. علامه امینی به این نکته - که لازم است نظر خود را در این موضوع روشن کند و اینکه نقش الغدیر در وحدت اسلامی چیست، آیا مثبت است یا منفی؟ - خود کاملاً توجه داشته‌اند و برای اینکه از طرف معترضان - اعم از آنان که درجهجه مخالف خود نمایی می‌کنند و آنهایی که درجهجه موافق خود را جازده‌اند - مورد سوء استفاده واقع نشود، نظر خود را مکرر توضیح داده و روشن کرده‌اند.

علامه امینی طرفدار وحدت اسلامی هستند و با نظری وسیع و روشن بینانه بدان می‌نگرند. معظم له در فرصت های مختلف در مجلدات الغدیر این مسئله را طرح کرده‌اند و ماقسمی از آنها را در اینجا نقل می‌کنیم: در مقدمه جلد اول « اشاره کوتاهی می‌کند به اینکه الغدیر، چه نقش در جهان اسلام خواهد داشت. می‌گوید: « وما اینهمه را خدمت به دین، و اعلاء کلمه حق، و احیاء امت اسلامی می‌شماریم. »

در جلد سوم، صفحه ۷۷، پس از نقل آکنوب این تیمیه و آلوسی و قتیبی، مبنی بر اینکه شیعه برخی از اهل بیت را، از قبیل زیدین علی بن الحسین دشمن می‌دارد، تحت عنوان « نقد و اصلاح » می‌گوید: « ... و در این باره می‌نویسد: « فاد را می‌کارد و دشمنیها را میان امت اسلام برمی‌انگیزد و جماعت اسلام را تبدیل به تفرقه می‌نماید و جمع امت را منتشت می‌سازد و با مصالح عامه مسلمین تضاد دارد. »

نیز در جلد سوم، صفحه ۲۶۸، تهمت سید رشید رضا را به شیعه، مبنی بر اینکه « شیعه از هر شکستی که نصیب مسلمین شود خوشحال می‌شود تا آنجا که پیروزی روس را بر مسلمین در ایران جشن گرفتند » نقل می‌کند، و می‌گوید: « این دروغها ساخته و پرداخته امثال سید محمد رشید رضاست. شیعیان ایران و عراق که قاعدتا مورد تهمت هستند و همچنین مستشرقان و سیاحان و نمایندگان ممالک اسلامی و غیرهم که در این ممالک رفت و آمد داشته و دارند خبری از این

جریان ندارند، شیعه بلا استثناء برای نفوس و خون و حیثیت و مال عموم مسلمین اعم از شیعه و سنی احترام قائل است.

هروقت میبینی برای عالم اسلام در هر کجا و هر منطقه و برای هر فرقه پیش آمده است، درغم آنها شریک بوده است. شیعه هرگز اخوت اسلامی را که در قرآن و سنت بدان تصریح شده محدود به جهان تشیع نکرده است. و در این جهت فرقی میان شیعه و سنی قائل نشده است. « نیز در پایان جلد سوم، پس از انتقاد از چند کتاب از کتب قدما، از قبیل عقدا لقرید ابن عبدربه، الانتصار ابوالصین خیاط معتزلی، الفرق بین الفرق ابومنصور بغدادی، الفصل ابن حزم اندلسی، الملل والنحل محمد بن عبدالکریم شهرستانی، منهاج السنه ابن تیمیه، والبدایة والنهایة ابن کثیر و چند کتاب از کتب متاخرین، از قبیل تاریخ الامم الاسلامیه شیخ محمد خضری، فجر الاسلام احمد امین، الجولة فی ربوع الشرق الادنی محمد ثابت مصری، الصراع بین الاسلام والوثیئة قصبی، والوشیئة موسی جارالله می‌گویند:

« هدف ما از نقل و انتقاد این کتب، این است که به امت اسلام اعلام خطر کنیم و آنان را بیدار نماییم که این کتابها بزرگترین خطر را برای جامعه اسلامی بوجود می‌آورد، زیرا وحدت اسلامی را متزلزل می‌کند، صفوف مسلمین را می‌پراکند، هیچ عاملی بیش از این کتب صفوف مسلمین را از هم نمی‌پاشد و وحدتشان را از بین نمی‌برد و رشته اخوت اسلامی را پاره نمی‌کند. »

علامه امینی در مقدمه جلد پنجم، تحت عنوان « نظریة کربنفة » به مناسبت یکی از تقدیرنامه‌هایی که از مصر، درباره الغدیر رسیده است، نظر خود را در این موضوع کاملاً روشن می‌کند و جای هیچ تردیدی باقی نمی‌گذارد، می‌گوید: « عقاید و آراء درباره مذاهب آزاد است و هرگز رشته اخوت اسلامی را که قرآن کریم با جمله « انما المؤمنون اخوة » بدان تصریح کرده پاره نمی‌کند، هر چند کار مباحثه علمی و معجاده کلامی و بقیه در صفحه ۴۶

## الغدیر و وحدت اسلامی (بقیه)

منه‌بی به‌اوج خود برسد ، سیره سلف و در راس آنها صحابه و تابعین همین بوده‌است .

« ما مؤلفان و نویسندگان در اقطار و اکناف جهان اسلام ، با همه اختلافی که در اصول و فروع بایکدیگر داریم ، یک جامع‌مشترک داریم و آن ایمان بخدا و پیامبر خداست . در کالبد همه ما یک روح و یک عاطفه حکمفرماست و آن روح اسلام و کلمه اخلاص است . »  
 « ما مؤلفان اسلامی همه در زیر پرچم حق زندگی می‌کنیم و در تحت قیادت قرآن و رسالت نبی اکرم انجام وظیفه می‌نماییم . پیام همه ما این است که : « ان‌الدین عندالله الاسلام » و شعار همه ما « لا اله الا الله و محمد رسول الله » است . آری ما حزب خدا و حامیان دین او هستیم . »

علامه امینی در مقدمه جلد هشتم تحت عنوان « الغدیر یوحد الصوف فی الممال اسلامی » مستقیماً وارد بحث نقش الغدیر در وحدت اسلامی می‌شوند . معظم‌له ، در این بحث ، اتهامات کسانی را که می‌گویند الغدیر موجب تفرقه بیشتر مسلمین می‌شود ، سخت رد می‌کنند ، و ثابت می‌کنند که برعکس ، الغدیر بسیاری از سوءتفاهات را از بین می‌برد و موجب نزدیک‌تر شدن مسلمین به یکدیگر می‌گردد . آنگاه اعترافات دانشمندان اسلامی غیر شیعه را در این باره شاهد می‌آورند و در پایان ، نامه شیخ محمد سعید دحدوح را به همین مناسبت نقل می‌کنند .

ما برای پرهیز از اطاله بیشتر ، از نقل و ترجمه تمام گفتار علامه امینی تحت عنوان بالا که همه در توضیح نقش مثبت الغدیر در وحدت اسلامی است صرف‌نظر می‌کنیم ، زیرا آنچه نقل کردیم برای اثبات مقصود کافی است .

نقش مثبت الغدیر ، در وحدت اسلامی از این نظر است که اولاً منطق مستدل شیعه را روشن می‌کند و ثابت می‌کند که گرایش در حدود صد میلیون مسلمان به تشیع - برخلاف تبلیغات زهرآگین عده‌ای - مولود جریان‌های سیاسی یا نژادی و غیره نبوده است ، بلکه یک منطق قوی متکی به قرآن و سنت موجب این گرایش شده‌است ،

ناتیا ثابت می‌کند که پاره‌ای اتهامات به شیعه - که سبب فاصله گرفتن مسلمانان دیگر از شیعه شده است - از قبیل اینکه شیعه غیر مسلمان را بر مسلمان غیر شیعه ترجیح می‌دهد و از شکست مسلمانان غیر شیعه از غیر مسلمان شادمان می‌گردند ، و از قبیل اینکه شیعه به‌جای حج به زیارت ائمه می‌رود ، یا در نماز چنین می‌کند و درازدواج موقت چنان ، به‌کلی بی‌اساس و دروغ است ، ثالثاً شخص شخیص امیرالمومنین ، علی علیه‌السلام ، را که مظلومترین و مجهول‌القدرترین شخصیت بزرگ اسلامی است و می‌تواند مقتدای عموم مسلمین واقع شود ، و همچنین ذریه اطهارش را به جهان اسلام معرفی می‌کند .

### برداشت دیگران از الغدیر

برداشت بسیاری از دانشمندان بی‌غرض مسلمان غیر شیعه از « الغدیر » همین است که ما گفتیم .  
 محمد عبدالغنی حسن مصری ، در تقریظ خود بر الغدیر که در مقدمه جلد اول ، چاپ دوم ، چاپ شده است می‌گوید :  
 « از خداوند مسئلت می‌کنم که بر که آب زلال شمار ( غدیر در عربی به معنای کوفتال آب است ) سبب صلح و صفای میان دو پسر شیعه و سنی قرار نهد که دست به‌دست هم داده ، بنیاد امت اسلامی را سازند . »

عادل عثمان عدوی مجلد مصری « الکتاب » است در مقدمه جلد سوم - می‌گوید : « این کتاب ، منطق شیعه را روشن می‌کند و این سنت می‌تواند به وسیله این کتاب شیعه را به‌طور صحیح بشناسد . شناسایی صحیح شیعه سبب می‌شود که آراء شیعه و سنی به یکدیگر نزدیک شود ، و مجموعاً صف واحدی تشکیل دهند . »

دکتر محمد غلاب ، استاد فلسفه در دانشکده اصول دین جامع ازهر ، در تقریظی که بر الغدیر نوشته و در مقدمه جلد چهارم چاپ شده می‌گوید :

« کتاب شما در وقت بسیار مناسبی به‌دستم رسید ، زیرا اکنون مشغول جمع‌آوری و تالیف کتابی درباره زندگی مسلمین از جوانب مختلف هستم ، لهذا خیلی مایلم

که اطلاعات صحیحی درباره شیعه امامیه داشته باشم . کتاب شما به من کمک خواهد کرد و من دیگر مانند دیگران درباره شیعه اشتباه نخواهم کرد . »  
 دکتر عبدالرحمان کیالی حلبی ، در تقریظ خود که در مقدمه جلد چهارم الغدیر چاپ شده ، پس از اشاره به انحرافات مسلمین در عصر حاضر ، و اینکه چه عواملی می‌تواند مسلمین را نجات دهد ، ویس از اشاره به اینکه شناخت صحیح وصی پیغمبر اکرم یکی از آن عوامل است ، می‌گوید :

« کذب الغدیر و محتویات غنی آن ، چیزی است که سزاوار است

هر مسلمانی از آن آگاهی یابد ، تا دانسته شود چگونه مورخان کوتاهی کرده‌اند ، و حقیقت کجاست . ما به این وسیله باید گذشته را جبران کنیم و با کوشش در راه اتحاد مسلمین به‌اجر و ثواب نایل گردیم . »

\*

آری آن بود وجه نظر علامه امینی درباره مسئله مهم اجتماعی عصر ما ، و این است عکس‌العمل نیکوی آن در جهان اسلام - رضوان‌الله علیه .

به نقل از کتاب « یادنامه علامه امینی »

## موسیقی قافیه و پیوند آن با وزن (بقیه)

به جریان در هذیان قناعت کرده و از شیوه سخنوری به منحولگری خرسند شده و از منتیمان کسی هست که از قافیه جز حرف روی نشاند و در آن نیز میان حرف زاید و اصلی فرق نکند . از علم عروض جز مفاعیل فاعلات فهم ناکرده و از پحور شعر جز اسامی بی‌معنی نادانسته چنان مقلد طبع خویش و معتقد فضل خویش است که انوری را به جاگری نپسندد ، و خاقانی را به درباری قبول نکند . . . .

با این سخن قیس رازی خوب که بنگریم ، از جانب او غنایتی به کیفیت معنوی قافیه نمی‌بینیم . او به همان مکان قافیه که در شکل‌های مختلف ثابت شعر کلاسیک معین شده است ، بس می‌کند و ضرورتی نمی‌شناسد که در مورد پیوند قافیه و معنی ، به نحوی که هر شعری ایجاب می‌کند ، به تأمل بپردازد . از این گذشته به این واقعیت نیز ، که بخش عظیمی از شعر کلاسیک در خماسین و صور خیال زاید قافیه است ، توجهی ندارد . به ناقد کلاسیک حق می‌دهیم که اگر در شعر یک شاعر عصر خود وزن و قافیه درست نیافت ، آن شعر را « جریان در هذیان » بداند . اما اگر همان شاعر بدسخن فاقدی دیگر ، مانند خواجه نصیرالدین طوسی ، توجه می‌کرد و تحصیل را ، لااقل همین تخیل را وجه تمایز شعر از نثر می‌دانست و آن‌را در شناخت شعر از غیر شعر تنها اصل محترم می‌گرفت ، شاید سخنانش بی‌دخالیت وزن و قافیه « هذیان جاری » از کلام بدتر نمی‌آمد ، و آن تحول مبتنی بر آزادی مشروط می‌شد ، آن تحول که باید از فردیت هنرمند و استقلال عصر او هم چیزی بنماید ، بی‌نگام در شعر پیدا می‌شد و این تحول با مفهوم‌زنده و پویای خود ادامه می‌یافت .

قافیه و وزن که به شعر اعتبار ظاهر می‌بخشید و شاعر و ناقد و خواننده را دیگر به تردید در امثال معنی و همزادی آن با صور خیال و وزن و قافیه راه نمی‌داد ، موجب شده که گذشتگان شعرا در عرش و نثر را در فرش ببینند .

## (بقیه) قصه سه ایرانی

خورجیناشون بوی گند خون دل و جگر می‌آید .  
 ما برمی‌گردیم روبه ملت می‌گیم :  
 انگار شاگرد جیگر کن . تسوی  
 خورجیناشون جیگر و دل و قلوبوس .  
 رستخانی می‌گه : بدبختا .. هدهه .  
 یکی به‌دست جیگر و دل و قلوبه  
 از اون خویاش سوا کن . به چیزی  
 بهشون بدیم . به پولی گیرشون  
 بیاد .  
 مات دست می‌کنن تو جیباشون .  
 ما دست می‌کنیم تو خورجین

- سایه‌متر اولی . اقتضاس .
- بابا این یکی دل و جیگرش خون خالیه .
- دست می‌کنیم تو خورجین سایه‌متر دومی . گنده .
- مال این یکی حسابی گندیده‌س ، دست می‌کنیم تو خورجین سایه‌متر سومی . بدتره .
- مال این که اصلن گندیده‌س . ربیع‌اله بنگی می‌گه : ای بابا ..
- ولشون کن . درو ببند .
- بگو پول خورده نداریم .
- بگو دوسه روز دیگه بیان .
- بگو قیسن .
- ببخشین آبون .